

## راهنمایی‌هایی برای نواختن پیانو

از آندور فولدز



مقدمه :

« آندور فولدز » پیانیست شهر مجارستانی که چندی قبل نیز در تهران رسی‌تال بسیار جالب و باارزشی اجرا نمود ، علاوه بر تسلط و تبجری که در نواختن پیانو دارد ، تاکنون دست به تألیفات و در زمینه هنر موسیقی زده که از جمله می‌توان کتاب کوچک « راهنمایی‌هایی برای نواختن پیانو » را نام برد . فولدز بر اثر مطالعات عمیق و تجربیات چندین ساله خود در فن پیانو ، به هنرجویان و نوازندگان علاقمند پیانو در این کتاب با بیانی بسیار ساده و دلپذیر نکات جالبی ارائه داده است .

هنرجوی رشته پیانو با خواندن این کتاب نه فقط با تکنیک صحیح روبرو و به آن راهنمایی می‌گردد ، بلکه روش دقیق مطالعه و نت‌خوانی موسیقی را می‌آموزد و بی به چگونگی طرز تمرین ساز خود می‌برد . بعلاوه با نحوه صحیح و انتقادی استماع موسیقی آشنا می‌شود و در ضمن تربیت گوش ، ذوق او نیز رشد پیدا می‌کند . روی سخن این کتاب نه فقط با افرادی است که تاکنون در فن نواختن پیانو پیشرفتی حاصل نموده‌اند ، بلکه هنرجویان مبتدی و حتی هنرجویانی که رشته‌سازشان

جز پیانو می باشد نیز می توانند از این گنجینه تجربه و پند استفاده سرشار ببرند. کتاب نامبرده تاکنون در بیش از ده مملکت و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر شده است و ناقدان نامی و مربیان صلاحیتدار موسیقی جملگی آنرا ستوده اند. مجله موسیقی نیز از این شماره به بعد فشرده ای از محتویات کتاب مزبور را بنظر خوانندگان عزیز می رساند.

## مقدمه مؤلف

معمولا بعد از هر کنسری که اجرایی کنم در اطاق انتظار با تعداد کثیری از هنرجویان جوان و ساعی رشته پیانو روبرو می شوم. این افراد میل دارند که همه چیز درباره هنر نواختن پیانو را از من بشنوند و راهنمایی گردند. معمولا اولین سؤال آنان درباره اینست که من چند ساعت در روز به تمرین پیانو مشغول هستم و بالاخره بعضی ها هم میل دارند بدانند در چه سنی شروع به آموختن فن پیانو کردم و نزد کدام مربی، به آثار کدام آهنگساز بیشتر علاقمند و کدام قطعه بیش از همه مورد دلخواه من است.

این افراد تصور می کنند که دریافت پاسخ این چند سؤال مختصر می تواند در پیشرفت تحصیل هنری آنان تأثیر داشته باشد و سودمند واقع گردد. متأسفانه حقیقت چنین نیست چون برای گشودن مسائل پیچیده و برطرف نمودن موانعی که در راه صحیح نواختن فن پیانو وجود دارد، بحث و کاوش بیشتری در این زمینه حایز است و گفتگوی کوتاه بعد از کنسرت برای حلای این مطالب کافی نمیباشد.

هنرجویانی که کار خود را جدی تلقی می کنند بدین مطلب واقفند و آمادگی دارند تا سالهای درازی از عمر خود را وقف این کار کنند تا بتوانند در حرفه ای که برگزیده اند بحد کمال برسند. مقصود این کتاب عرضه کردن سریع ترین و کوتاه ترین مدت برای رسیدن به هدف عالی نوازندگی فن پیانو نیست چون مؤلف خود از زمانیکه در سن هشت سالگی برای اولین بار روی صحنه ظاهر شد تاکنون که سی و نه سال از عمر او می گذرد به این مسئله معتقد است که چنین راهی را نمیتوان جز با کار جدی و رغبت فراوان و صبر و تحمل بی



پایان و وجودی خستگی ناپذیر در تمرین ساز کوتاه نمود . پیا نیست جوان باید مطمئن باشد که در راه صحیح نوازندگی پیا نوگام بر میدارد تا سالهای تحصیل و اوقات گرانبهایش تلف نشود .

چندی قبل يك پیا نیست تازه کار از من خواهش کرد به نواختن او گوش دهم . او برای من يك سنات از بتهوون اجرا نمود و با نواختن آخرین نت روی پیا نو با انتظار کامل چشم به روی من دوخت . بدون اینکه درباره نحوه نواختن او اظهار عقیده کنم قبل از هر چیز چند سؤال ساده از او کردم . از او پرسیدم که آیا طرز نت خواندن را می دانند؟ آیا تا کنون به نواختن خودش گوش فرا داده است؟ آیا روش خوب و درستی را برای تمرین برگزیده است؟ گذشته از اینها چند سؤال دیگر طرح کردم بدون اینکه جواب قانع کننده ای دریافت دارم . من به هیچ وجه ادعا ندارم که بتوانم به تمام سؤالات درباره فن نوازندگی پیا نو پاسخ گویم و روز بروز در اعتقاد راسخ تر میشوم که برای اغلب سئوالها نمی توان فقط يك جواب جامع و مانع پیدا کرد . من پس از سالها تجربه و مطالعه سی و يك ساله خود سعی نموده ام که در این کتاب پاسخی را که کم و بیش قانع کننده یافته ام و مورد قبول واقع شده است بر روی کاغذ بیاورم و اینها فقط راه حل های ممکن مشکلات مورد بحث است . من ادعا نمی کنم که این تنها روش ممکن برای نواختن پیا نومی باشد . من اگر بتوانم هنر جوان پیا نو نوازندگان جوان را قانع کنم که آنها سؤالاتی را که در اینجا طرح شده باز بار دیگر برای خود مطرح کنند و پی به اهمیت این امر ببرند به منظور خود از تألیف این کتاب دست یافته ام .

## فصل اول

### درباره شروع درست

پدر و مادران دلسوز و علاقمند معمولاً قبل از هر چیز با این مسئله روبرو می شوند که در چه سنی باید کودک آنها به آموختن موسیقی بپردازد و چگونه

ممکن است به استعداد و میزان هوش کودک در این زمینه پی برد .  
کودک ممکن است با شنیدن موسیقی از رادیو و تکرار چند ملودی سبک از آهنگ‌هایی که شنیده است وسیله سوت زدن و یا نواختن آنها از راه گوش بر روی پیانو بتواند رغبت به موسیقی را در خود بروز دهد . تنها با ستناد موارد فوق والدین نباید بدون صبر و تعمق طفل خود را يك نابغه كوچك و آینده او را چون « والتر گیز کینگ » بپندارند . برای جلوگیری از اشتباه و شتابزدگی در قضاوت چنین پدر و مادرانی باید متذکر شد که برخورداری طفل از قوه مطلق سامعه دلیل بر استعداد موسیقی او نیست و بدین وسیله نمی‌توان آینده او را در زمینه هنر موسیقی پیش‌بینی نمود . البته ممکن است که این اظهار باعث ناراحتی خاطر بعضی از والدین بشود .

برای پرورش و پیشرفت در هنر موسیقی و رسیدن به مدارج عالی آن تنها داشتن قدرت‌های عادی که کودکان مستعد ، در موسیقی کم و بیش از خود نشان میدهند کافی نیست . استعداد هنر موسیقی و تأثیر زودتر از رشته‌های دیگر هنری در مراحل اول زندگی اطفال ظاهر میگردد و این پدیده زودرس خود خطراتی همراه دارد که اغلب باعث قضاوت نابجا و سریع والدین میگردد .

استعداد و کمال در موسیقی با هم مترادف نیست . من به جرأت و با اعتقاد کامل گفته « سلطان کودای » آهنگساز مجار را که چند سال قبل طی يك مصاحبه بیان نمود تأیید می‌کنم . بنظر او : « قبل از هیجده سالگی آنچه که کودک در زمینه موسیقی انجام دهد ملاک قضاوت نمی‌تواند بود » . کار و فعالیت در این مورد بین هیجده و هفتاد و پنج سالگی به حساب می‌آید .

هر کس درباره کودکان نابغه چیزی شنیده است و مؤلف خود یکی از آنان بشمار می‌رفت . ولی نباید فراموش کرد که بموازات هر يك از کودکانی که توانسته‌اند در بزرگی به هدف خود رسند و در کارشان تکامل حاصل نمایند ، هزاران کودک دیگر از این راه منحرف شده و نتوانسته‌اند آنرا به پیمایند . همانطور افرادی پیدا میشوند که کمتر بخت با آنان یاری نموده است و بعلمت نواختن قبل از موقع بر روی صحنه به آینده هنری خود لطمه زده‌اند .  
از این گذشته همچنین ممکن است که این افراد در اثر مواجه شدن با



آشفته‌گی و ناراحتی‌های دوران بحرانی جوانی و تحمل بار سنگین مسئولیت زیادی که متوجه تکوین هنرآنان است، دچار تعارض شوند و این ناکامی موجب خشم والدین و اندوه فراوان خودشان گردد.

والدین موسیقی‌دانان جوانی که ظاهراً آینده درخشانی دارند باید از خطر شروع بیموقع بر حذر باشند و آینده هنری کودکان خود را بخاطر موفقیت‌های زودگذر و مشکوک بخطر نیاندازند.

طبیعتاً باسانی نمیتوان کودک مستعدی را مانع از آن شد که قدرت خود را در موسیقی نشان دهد. مسلماً اگر هدایت با فهم و درایت توأم باشد میتواند بین روی صحنه آمدن خیلی زیاد و خیلی کم حد اعتدالی جست.

کودکان را باید در پیشرفت تحصیل موسیقی راهنمایی و تشویق نمود و زمانی به آنان موقعیت و اجازه نواختن بر روی صحنه را داد که از لحاظ سنی تا حدی بحد کمال رسیده باشند و مخصوصاً درک کنند و بدانند که از آنها چه میخواهند و باید مشکلاتی را که با پیشرفت توأم است پشت سر گذارده باشند. در صورت واداشتن کودکان در نواختن بر روی صحنه و در برابر دیگران حتی در کنسر شاگردان مدرسه و وظیفه معلم و والدین است که از اهمیت این چنین اجرائی بکاهند و آنرا بزرگ جلوه ندهند.

زود شروع کردن آموختن موسیقی به هیچ‌وجه ضرری ندارد و برعکس پایه و مبانی فنی تکنیک صحیح موسیقی را فقط می‌توان از خردسالی در کودک ایجاد کرد. یعنی در زمانی که عضلات نرم و قابل انعطاف و عکس‌العمل در کودک سریع می‌باشد تا هنگامیکه حواس کودک نقش‌پذیر است و زمینه حاضر و آماده دارد تا تأثیرات جدید و مداوم را از خارج بپذیرد.

اما همان‌طوریکه گفته شد نباید تا هیجده سالگی فعالیت در کار و پیشرفت موسیقی اطفال را زیادتر از حد مهم جلوه داد.

زودباوری و اعتقاد تماشاچیان روز بروز کمتر خواهد شد، ولی با وجود این هنوز عده زیادی از افراد هستند که حاضرند حتی با خرید بلیط گرانقیمت در یک برنامه کنسر کودکی « نایفه » شرکت کنند، ولی این نکته را نباید فراموش کرد که همین افراد نیز حاضرند مبلغ مزبور را برای دیدن نمایش

سگ‌های تربیت شده و یا «سگ آبی» که حرف می‌زنند پپردازند. اگر طفل نوازنده نابغه نتواند بعد از سالها رشد سنی همچنان در کار نوازندگیش پیشرفت و رسائی و پختگی حاصل نماید، حتی يك نفر از شنوندگانی که در قدیم برای خرید بلیط او به هر قیمت که شده بود تلاش می‌کرد اکنون حاضر نمیشود دیناری برای استماع کنسر او پپردازد.

اجرای کامل يك اثر موسیقی کاری است بسی مشکل و پیچیده و برای آن شخص نه فقط باید از استعداد طبیعی موسیقی برخوردار باشد بلکه داشتن تکنیک روان و پخته، سلیقه، تعمق، شخصیت و هزار و يك چیز دیگر لازم است. وقاعدتاً از يك طفل نمی‌توان اینهمه توقع داشت.

هر کودکی طبیعتاً استعداد موسیقی دارد. دردنیای حاضر با اینهمه امکانات مختلف در زمینه موسیقی جوانان می‌توانند به انحاء مختلف استعداد و رغبت به موسیقی را از خود بروز دهند و این امر حتی در مورد جوانانی که خانواده آنان به موسیقی علاقه ندارند و یا والدینی که جرأت و جسارت تعلیم دادن موسیقی را در فرزندان شان در خود نمی‌یابند صادق است.

با در نظر گرفتن اینکه هر لحظه نوعی از انواع موسیقی سبک و سنگین و جاز و غیره از رادیو بگوش می‌رسد، اگر کودک بتواند چند ملودی را حفظ کند و آنها را توسط سوت زدن و یا آوردن روی پیانو از راه گوش آزمایش و تکرار کند، می‌توان بجرأت او را يك طفل خیلی بی استعداد در موسیقی دانست.

اینکه کودک در اوایل کار بخصوص در صورت امکان و داشتن وسیله میل دارد ملودی شنیده و حفظ شده را روی ساز پیانو تکرار کند امری است که اغلب در همه جا بچشم می‌خورد. روی هیچ سازی نمی‌توان مانند پیانو آنقدر راحت و ساده اصوات را جستجو کرد و نواخت و شاید بهمین دلیل باشد که بخصوص بچه‌ها برای تمرین و شروع تعلیم ساز بیشتر متوجه پیانو می‌شوند و آنرا انتخاب می‌کنند. سن و سال معینی برای اینکه طفل شروع به تعلیم گرفتن پیانو کند تعیین نشده است.

من مخصوصاً از گفتن جمله «شروع تربیت موسیقی در طفل» اجتناب



می‌کنم چون عقیده دارم که به طفل باید خیلی خیلی زودتر حتی سالها قبل از اینکه بتواند نت بخواند و یا با مضراهای سیاه و سفید پیانو آشنا شود تربیت موسیقی داد. اگر در خانواده‌ای گوش دادن به موسیقی از رادیو و یا توسط دستگاه صفحه و رفتن به کنسرت امری همیشگی و مداوم باشد، این خود مطمئن‌ترین و ساده‌ترین راهی است برای جلب توجه و متمرکز کردن حواس کودک به موسیقی. اگر کودک بقدر کافی در زمینه موسیقی مستعد باشد باید دانست که از چه زمانی می‌تواند موسیقی تعلیم بگیرد. کودک را باید وقتی عملاً و مرتباً در ساز تعلیم داد که با «الف با» آشنائی کامل داشته باشد. و به عقیده من حتی این شروع باید دو سال بعد از اینکه کودک نوشتن و خواندن را آموخت انجام گیرد این حداقل است.

از مجبور کردن اطفال به فراگرفتن درس موسیقی باید پرهیز نمود. چه بسا افرادی هستند که در سنین بزرگی تازه به این نکته متوجه شده و افسوس می‌خورند که چرا در اثر يك شروع بد و نابجا در آموختن آلتی از موسیقی رغبت خود را در این مورد از دست داده‌اند و یا اگر هنوز به موسیقی علاقمند مانده‌اند دیگر نمی‌توانند عملاً خود از نواختن سازی لذت ببرند. این افراد زمانی به فراگرفتن آلتی از موسیقی مجبور شده‌اند که در آن مرحله و موقع نمی‌توانستند به اهمیت و ارزش این هنر پی ببرند. در نتیجه بهترین راهی که ایشان را از شر این آموزش اجباری نجات می‌داد بی‌علاقگی و ابراز خونسردی آنان در کار این هنر بود و این خود باعث میشد که والدین در این مورد از فرزندان شان قطع امید کنند و بالاخره آنها را بحال خود بگذارند. چنین افرادی که در شروع کار بدلیل گفته شده از آموختن آلتی از موسیقی سرپیچی کردند و از آن برخوردار نشدند در سنین بالا تازه متوجه میشوند که از چه نعمتی بی‌بهره هستند در حالیکه می‌توانستند با شروع مناسب و فراگرفتن آلتی از موسیقی تا آخر عمر خود از شادمانی و همدمی با سازشان بهره‌مند گردند.

برای گرفتن درس موسیقی بخصوص در اوائل کار دقت و مواظبت بسیار لازم است و خود این امر باعث خستگی کودکان میشود. بهمین دلیل شروع آموختن موسیقی خیلی زود جایز نیست. وجود يك معلم خوب و فهمیده‌ای که نه فقط به موسیقی بلکه به کودک نیز بهمان میزان علاقمند باشد بسیار مهم است. در همه جا مر بیان خوبی پیدا میشوند که نه فقط در رشته موسیقی معلومات عمیقی

دارند و قادرند سازشان را بخوبی اجرا کنند بلکه نیز آموخته‌اند اطفال را بخوبی درک کنند و آنانرا بفهمند. برای شروع کار بهتر است معلم جوان انتخاب شود چون او میتواند نقص تجربه خود را با حوصله بسیار و همدلی و اتخاذ روشی تازه با کودک جبران کند. کودکان طبیعتاً اغلب بیشتر به معلمین جوان تمایل پیدا می‌کنند و معلم باید بتواند با مواظبت و دقت کامل و بنحو احسن خوی سرسختی و مقاومت طفل را که در برابر فرا گرفتن کارهای جدی در خود پنهان دارد از بین ببرد. بر این مقاومت و سرسختی نایجابی کودکان فقط بوسیله صبر و دوستی و تفهم میتوان چیره شد.

بعقیده من کسب موفقیت و نتیجه گرفتن مساعد از اولین ساعت درس در درجه اول بستگی به طرز رفتار و شخصیت مربی دارد و مسئله روش تدریس در درجه دوم حائز اهمیت است. برای تدریس ابتدائی رشته پیا نو مدارس مختلفی وجود دارد که ارزش هر یک از آنها را تنها بوسیله لیاقت و شایستگی کار مربی آن مدرسه میتوان تعیین نمود. به کودک که برای اولین بار قدم مردد خود را در سرزمین موسیقی میگذارد باید توجه بسیار نمود سعی کرد که اساس کار موسیقی او محکم و درست و بجا گذارده شود. تخیل کودک و طلب زیبایی که در نهاد او مکنون است باید بیدار شوند. علاوه بر این کودک باید در همان اوائل کار با موسیقی خوب عصر خود آشنا شود. بدبختانه در این مورد اغلب مربیان غفلت می‌کنند و برای نمونه هنوز در بعضی کنسرهاى مدرسه شاگردان مبتدی آثاری را اجرا می‌کنند که بیست و پنج سال قبل مد روز بود و امروز با تصنیفات نوینی که اکنون توسط آهنگسازان جدید مخصوص مبتدیان در دسترس عموم قرار گرفته است، اجرای آثار و ترتیب برنامه بیست و پنج سال قبل در عصر حاضر نا بخشودنی است. بخصوص در شروع و اول کار که هنوز سلیقه کودک فرم ثابتی بخود نگرفته و تحول پیدا نکرده است باید فقط بهترین آثار موسیقی را در اختیار او قرارداد.

معلم باید همیشه در جریان آثاری که برای مبتدیان تصنیف میشود باشد تا بتواند برگزیده‌های آنها در دسترس شاگردانش قرار دهد.

( پایان فصل اول )

ترجمه دکتر سعید خدیری